

### 3 شبانه روز تنهاترین انسان جهان بوده‌ام

در تاریخ بشریت هفت نفر هستند که در برهه‌ای از زمان و به معنای واقعی کلمه کاملاً جدا از ما و بقیه انسان‌ها بوده‌اند. آنها هفت فضانورد ماژول فرماندهی آپولو هستند که طی مدت اقامت کوتاه همقطارانش روی سطح ماه، مدتی را به تنهایی و در مدار اطراف ماه سپری کرده‌اند.



یکی از 3 فضانورد ماموریت فضایی آپولو 15:

### 3 شبانه روز تنهاترین انسان جهان بوده‌ام

در تاریخ بشریت هفت نفر هستند که در برهه‌ای از زمان و به معنای واقعی کلمه کاملاً جدا از ما و بقیه انسان‌ها بوده‌اند. آنها هفت فضانورد ماژول فرماندهی آپولو هستند که طی مدت اقامت کوتاه همقطارانش روی سطح ماه، مدتی را به تنهایی و در مدار اطراف ماه سپری کرده‌اند.

در پروژه آپولو برای سفر به ماه دو ماژول فرماندهی و ماه نشین که روی هم سفینه آپولو را تشکیل می‌دادند، راهی قمر زمین می‌شدند.

در مدار ماه، ماژول ماه نشین در حالی که دو فضانورد داخل آن نشسته بودند، راهی فرود بر سطح یگانه قمر زمین می‌شدند و فضانورد سوم برای مدتی که گاه تا چند روز هم طول می‌کشید، به تنهایی دور ماه می‌چرخید.

زمانی که آنها در آن سوی ماه نسبت به زمین بودند، کاملاً خارج از دسترس و در دورترین فاصله از سیاه مادری قرار می‌گرفتند. آنقدر دور و تنها که تا آن زمان و تا به امروز هیچ کس در چنین شرایطی قرار نگرفته است.

پنج نفر از آن هفت قهرمان امروز زنده‌اند. آلفرد ووردن، خلبان سفینه فرماندهی آپولو 15 یکی از آنهاست که هنوز هم نشانه‌ای از یک فضانورد کهنه کار در سیمایش دیده می‌شود.

آلفرد ووردن در ماه جولای 1971 در کنار دیوید اسکات فرمانده آپولو و جیم اروین خلبان ماژول نشین آپولو 15 به مدار ماه پرواز کرد.

در مدت زمانی که او در ماژول فرمانده بود، نامش به عنوان تنهاترین انسان در کتاب های رکورد ثبت شد.

از نظر بسیاری از محققان، ماموریت آپولو 15 سخت‌ترین و دقیق‌ترین برنامه علمی ماموریت بزرگ آپولوست.

در گفت‌وگو با ووردن بیشتر تلاش شده از تجربه انسانی که هزاران کیلومتر از خانه خود دور بوده است، چیزهایی آموخته شود.

آیا شما هم احساس می‌کنید خلبانان ماژول فرماندهی توسط تاریخ نادیده گرفته شده‌اند؟

چنین تصویری خنده دار است. معمولاً بیشتر مردم به کسانی توجه دارند که روی ماه فرود آمده‌اند. کار آنها برداشتن سنگ از روی ماه و انتقال آن به زمین برای تجزیه، تحلیل و بررسی بود. اما نکته اینجاست که از لحاظ علمی شما اطلاعات بیشتری را می‌توانید از مدار ماه نسبت به سطح آن به دست آورده و به اطلاعات علمی بیشتری برسید. به عنوان مثال من برای اولین بار از 25 درصد سطح ماه عکس گرفته و به همان اندازه نقشه ترسیم کردم و از طریق این عکس‌ها و نقشه‌ها، اطلاعات زیادی را برای بررسی و تحقیق به زمین انتقال دادم. حدس می‌زنم هنوز هم محققان به آن عکس‌ها و نقشه‌ها نگاه می‌کنند.

مشتاقم بدانم زمانی که سفینه ماه نشین آپولو برای فرود به سمت دیگر ماه از ماژول فرمان جدا شده و شما در پنجره اتاقتان می‌دیدید که تصویر ماه نشین آپولو هر لحظه کوچک‌تر و کوچک‌تر می‌شود چه چیزی در ذهنتان می‌گذشت؟

پیش از هرچیز برایشان آرزوی موفقیت داشتم که بتوانند فرود موفقی روی ماه داشته باشند. دومین چیزی که به ذهنم می‌رسید این بود که من از رفتن آنها خوشحالم چرا که حالا تمام فضای اطراف متعلق به من هستند و به این ترتیب من سه روز فوق‌العاده را تک و

تنها در یک فضاپیما سپری کردم.

آیا واقعا احساس تنهایی نمی کردید؟

ببینید تنها بودن با احساس تنهایی و منزوی بودن یا احساس قرار داشتن در یک جای دورافتاده با هم فرق می کند. من در آنجا تنها بودم اما احساس تنهایی نمی کردم. من در گذشته خلبان نیروی هوایی ارتش بودم. خیلی وقت ها داخل هواپیماهای جنگنده به تنهایی پرواز کرده بودم و به آن شرایط عادت داشتم و از آن لذت می بردم. من در آنجا مجبور نبودم با دیوید و جیم صحبت کنم. تنها یک بار که ماژول فرمان از بالای سایت فرود رد می شد به آنها سلام کردم. در طرف دیگر ماه من حتی مجبور به صحبت با هوستون هم نبودم. آن دوره از مأموریت بهترین بخش پرواز برای من بود.

ولی شما حدود 400 هزار کیلومتر از خانه دور بودید؟

بله شما از زمین بسیار دور هستید. اما چیزی که مرا بیشتر از تنهایی، تحت تاثیر بودن در مدار ماه – بخصوص زمانی که خودم تنها در مدار ماه بودم – قرار می داد ، زمانی بود که به طرف دیگر ماه می رسیدم و از پنجره اتاقم بالا آمدن (طلوع) زمین نسبت به افق ماه را می دیدم. صحنه بسیار شگفت انگیزی بود. علاوه بر این، من نظاره گر دنیایی (زمین) خارج از آن با چشم اندازی بسیار متفاوت و به شیوه ای بسیار متفاوت از آنچه کسی تا به حال دیده بود، بودم.

آنچه من در آنجا یافتم این بود که تعداد ستاره ها بسیار زیاد بود به گونه ای که نمی توانستم تک تک آنها را تفکیک کرده و انتخاب کنم. آنها شبیه صفحه ای از نور بودند. این موضوع برایم بسیار جذاب بود، چراکه نظرم را در مورد چگونگی فکر کردن ما در مورد گیتی تغییر داد. کهکشان راه شیری که ما جزئی از آن هستیم میلیاردها ستاره دارد و در آنجا (خارج از زمین) میلیون ها کهکشان است. وجود این همه عظمت به شما چه می گوید؟ به شما می گوید که ما به اندازه کافی در مورد آنها بزرگ فکر نمی کنیم. به نظرم تمام هدف برنامه فضایی این بود چگونگی دنیای خارج از زمین را کشف کرده و در مورد آن چیزهای بیشتری به بشر نشان داده و بیاموزد.

آیا این عظمت باعث نشد که شما احساس کوچک تر شدن کرده و در نتیجه احساس تنهایی بیشتری کنید؟

بله. مگر می توان احساس ناچیزی نسبت به این همه عظمت داشت. اگر توانستید زمانی به پشت ماه سفر کنید، آنجاست که احساس می کنید هیچ چیز نیستید.

من کنجاوم بدانم چرا ترجیح می دادید خارج از دسترس هوستون باشید (با هوستون در تماس نباشید)؟

من نیاز نداشتم کسی در گوشم مدام صحبت کند چون کارهای زیادی داشتم که باید آنها را انجام می دادم. البته کمی شوخی کردم.

آلفرد ووردن: وقتی شما خارج از کره زمین نظاره گر عظمت آسمان و عکسبرداری از آن و انجام کارهای مختلفی هستید، واقعا زمانی برای فکر کردن به شکوه فضا را ندارید. شما تمام آنها را به مغزتان می سپارید و در بازگشت، سال های سال به تمام آنچه روی داده فکر می کنید

چراکه اگر با موضوع مهم یا مساله جدی مواجه می شدم از آنها می خواستم با من تماس بگیرند. اما اگر همه چیز بخوبی پیش می رفت من نیازی به صحبت کردن با آنها نداشتم و می توانستم در انجام کار علمی خودم تمرکز بیشتری داشته باشم.

در آنجا چقدر مشغول بودید؟ من تصور می کنم پس از مأموریت، شما تفکر زیادی نسبت به زمین و کهکشان داشتید؟

جالب است بدانید وقتی شما خارج از کره زمین نظاره گر همه این عظمت و عکسبرداری از آن و انجام کارهای مختلفی هستید واقعا زمانی برای فکر کردن به آنها ندارید. شما تمام آنها را به مغزتان سپرده و در بازگشت به تمام آنچه روی داده فکر می کنید.

در آنجا حدود 20 ساعت کار می کردم و فقط روزی سه، چهار ساعت می خوابیدم. بنابراین واقعا وقتی نداشتم روی صندلی نشسته و با نگاه کردن به بیرون پنجره در مورد گیتی فکر کنم یا در مورد آنچه می دیدم برای خودم فلسفه چینی کنم.

شما یکی از هفت نفری هستید که در مدار اطراف ماه به طور کامل تنها بوده اند (شش نفر دیگر هم خلبانان ماژول فرمان آپولو 10، 11، 12، 14، 16 و 17 بوده اند. در این میان تنها خلبانان ماژول فرمان آپولو 15، 16 و 17 سه روز در مدار اطراف ماه بوده اند) آیا درس هایی وجود دارد که فضانوردان در صورت بازگشت دوباره به ماه یا سفر به مریخ بتوانند یاد بگیرند؟

فکر می کنم چیزهایی برای آموختن وجود داشته باشد، گرچه ما همه تجربه های مختلفی داشته ایم.

تجربه ای که من کسب کردم این بود که رابطه بیش از حد دوستانه ای با خدمه پرواز نباید داشت. با این که ما رفقای خاص و خیلی صمیمی با هم نبودیم اما کارمان را بخوبی و کاملاً حرفه ای انجام می دادیم و من فکر می کنم این موضوع مزیت خوبی برای گروه بود.

من حدس می زنم شما آدم خونگرم و صمیمی باشید اما شما می گوئید که لزوماً اینچنین آدمی نیستید؟

خدمه آپولو 12 همیشه با هم دوست و صمیمی بودند. پیتر کنراد همچون برادری برای دو خدمه دیگر بود. اگر شما یکی از آنها را می دیدید انگار هر سه آنها را دیده اید چرا که آنها همیشه با هم بودند.

ما درست بر عکس آنها بودیم. ما با هم آموزش می دیدیم، اما معاشرت زیادی با هم نداشتیم و فکر می کنم این موضوع از ما گروه موثرتری ساخته بود.

دیوید اسکات و جیم اروین همکاران شما رد پای خود را روی ماه گذاشتند که ممکن است میلیون ها سال در آنجا بماند. آیا شما هم اثری از خود به یادگار گذاشته اید؟ مثلاً ادرارتان بر روی ماه؟

ممکن است. البته ما زمانی که در مدار ماه بودیم ادرارمان را بیرون می ریختیم. این کاری است که باید انجام می دادیم، با باز کردن دریچه و ریختن ادرار به بیرون.

شاید هنوز اثر ادرارمان در مدار ماه باشد. اگر چه ماه نیروی جاذبه لازم برای نگه داشتن ذرات را در مدارش ندارد. احتمالاً چیزهایی که ما آنجا ریخته ایم تاکنون ناپدید شده و هیچ اثری از آنها روی ماه یا در مدار آن نمانده است.

منبع: bbc

مترجم: آتنا حسن آبادی